بیانات در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی - 3 /بهمن/ 1397

بسم الله الرّحمن الرّحیم (۱)
و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا و نبیّنا ابی‌القاسم محمّد و علی آله الطیّبین الطاهرین المعصومین.

اوّلاً خدا را باید شکر کنیم که هر روزی که میگذرد، بشر به آشنایی با صُنع (۲) پروردگار نزدیک‌تر میشود. واقعاً بندگان خدا، انسانهای خداپرست که معتقدند به صانع و به توحید، باید خدا را شکر کنند که روزبه‌روز این مسئله و این حقیقت برای انسانها، برای صاحبان فکر، برای همان کسانی که در قرآن از آنها به «لِقومٍ یَعقِلون» (۳) و «لِقَومٍ یَتفَکّرون» (۴) تعبیر شده، دارد واضح میشود. این نظم عجیب که از یک طرف، میلیاردها ستاره‌ی کهکشانی در آسمان، از آن طرف [دیگر] میلیاردها ذرّه‌ی کوچک تشکیل‌دهنده‌ی هسته‌ی یک اتم -که این را حالا اخیراً کشف کرده‌اند- از آن طرف [دیگر] این خصوصیّاتی که در ارتباطات مغزی وجود دارد، این پیچیدگی عجیب و عظیم، این نظمی که بر این مجموعه حاکم است، هر دلی را، هر انسانی را که «مَن کانَ لَهُ قلب» (۵) -کسی که دل دارد- به خدا نزدیک میکند. باید خدا را شکر کنیم که این پیشرفتهای بشری، ما را به معرفت الهی نزدیک‌تر میکند ؛ الحمد الله ربّ العالمین.

نکته‌ی بعدی این است که این دانشهایی که بشر کشف میکند -حالا امروز علوم شناختی، که اینها جزو کشفیّات جدید بشر است ؛ یک روزی مثلاً هفتاد هشتاد سال پیش، صد سال پیش، علومِ مربوط به اتم و کارکردهای اتم و امثال اینها- هر کدام از اینها یک دریچه‌ای است که به روی انسان باز میشود تا عالَم وجود را و هستی را که صُنع الهی است بیشتر بشناسد ؛ این یک فتوح الهی است ؛ اینها فتوحات الهیّه است ؛ ما بایستی از این فتوح الهی استقبال کنیم، استفاده کنیم. خداوند در قرآن میگوید که «وَ استَعمَرَکُم فیها» ؛ (۶) شما را در روی این زمین وادار کرده و از شما خواسته آباد کردنِ این زمین را. آباد کردن زمین به معنای آباد کردن جسم بی‌جان نیست بلکه به معنای مجموعه‌ی آن چیزی است که زمین حامل آن است که عمده وجود انسان است. این علوم -هم علومی که امروز بتدریج دارد کشف میشود، هم آنچه قبلاً کشف شده، و هم آن چیزهایی که بعدها کشف خواهد شد- ما را به این «اِستعمَرَکُم فیها» نزدیک میکند.

همچنان که شما امروز از پدیده‌های ناشی از فنّاوری‌های برخاسته‌ی از علوم شناختی شگفت‌زده میشوید -علوم شناختی، یک فنّاوری‌هایی را به وجود می‌آورد ؛ فرض بفرمایید ارتباط ذهن و مغز با ماشین ؛ این یک چیزی نبوده که به ذهن کسی برسد [امّا] امروز این وجود دارد- چیزهای فراوان دیگری وجود خواهد یافت در آینده که همین جور ما را شگفت‌زده خواهد کرد و امروز اصلاً به ذهنمان نمیرسد. هر کدام از این دریچه‌هایی که خدای متعال بر روی بشر باز میکند -دریچه‌های دانش، دریچه‌های علم- یک مرحله‌ای برای تحوّل بشر و تحوّل زندگی بشر است. همچنان که مثلاً فرض کنید در اوایل قرن بیستم که فیزیک رشد کرد و وارد میدان شد و علوم مرتبط با فیزیک، همه‌ی فضاهای علمی و صنعتی دنیا را گرفت، شما می‌بینید زندگی در آن روز با زندگی در این روز از زمین تا آسمان فرق کرده، پنجاه سال دیگر زندگی بشر با زندگی امروز بمراتب فرق خواهد کرد ؛ دنیای دیگری خواهد شد، تحوّل بنیانی‌ای به وجود خواهد آمد ؛ یعنی آنچه ما امروز با آن مواجه هستیم و خطرات امروز، تهدیدهای امروز، فرصتهای امروز، در پنجاه سال بعد از این ممکن است خطر نباشد، تهدید نباشد و فرصت نباشد ؛ تهدیدهای جدیدی به وجود می‌آید، فرصتهای جدیدی به وجود می‌آید.

فرض کنید امروز مثلاً برای یک دولت و یک کشور در زمینه‌ی قدرت نظامی، خب بمب اتم مثلاً یک ابزار تعیین‌کننده است ؛ ممکن است پنجاه سالِ دیگر وضع دنیا جوری بشود که اهمّیّت بمب اتم، مِن باب مثال مثل یک توپ اورلیکِن (۷) امروز باشد، اصلاً هیچ اهمّیّتی نداشته باشد. یعنی کسی این طرف دنیا بنشیند و بمب اتمی را که مثلاً در پنج هزار کیلومتری، ده هزار کیلومتری در آن طرف دنیا است، خنثی کند یا منفجر کند با یک ابزار ویژه‌ای که امروز وجود ندارد و آن روز وجود خواهد داشت ؛ یعنی دنیا متحوّل خواهد شد.

خب، میخواهیم چه نتیجه بگیریم؟ من میخواهم این را نتیجه بگیرم که هر ملّتی که امروز در زمینه‌ی این دانشهای جدید -که حالا این علوم شناختی و فنّاوری‌های مرتبط با علوم شناختی چیزهای جدید دنیایند دیگر ؛ مثلاً بیست سی سال است که اینها وارد میدان دانش و علم و دانشگاه و پژوهشگاه شده‌اند- عقب بیفتد، سرنوشتش، سرنوشت آن ملّتهایی است که در آغاز انقلاب صنعتی عقب افتادند و سرنوشتشان شد استعمارزدگی، شد زیر دست بودن، شد فقیر ماندن، شد ذلیل شدن. اگر ما امروز در زمینه‌ی علوم شناختی و فنّاوری‌های شناختی تلاش نکنیم، کار نکنیم، حرکت جدّی نکنیم -چون دیگران دارند [کار] میکنند دیگر، با همه‌ی وجود دارند [تلاش] میکنند ؛ امروز مثلاً فرض کنید ایشان نشان دادند که در زمینه‌ی هوش مصنوعی مثلاً ما چهاردهم هستیم در دنیا- اگر چنانچه یک ذرّه غفلت کنیم و خوابمان ببرد، بسرعت سقوط خواهیم کرد و پنجاه سالِ دیگر خواهیم شد پنجاهم، خواهیم شد صدم، یعنی دنیا از ما جلو می‌افتد و میرود. این نکته‌ی مهمّی است و باید همه به این توجّه کنند ؛ هم شما دانشمندان و محققین و پژوهشگران باید به این توجّه کنید یعنی شما دیگر شب و روز نباید بشناسید، هم مسئولین کشور و دولتی‌ها باید توجّه کنند. اینکه بنده این همه روی مسئله‌ی علم تکیه میکنم، به خاطر این است.

الحمدالله در این پانزده شانزده سال، بیست سال -قریب بیست سال اخیر- حرکت علمی در کشور یک حرکت جدّی خوبی شده لکن این حرکت اگر از شتاب بیفتد، ما عقب میمانیم. حالا بعضی اوقات آمار میدهند، میگویند «آقا! شتاب حرکت ما مثلاً پانزده برابر متوسّط دنیا است» ؛ خیلی خوب، این خیلی خوب است امّا کافی نیست ؛ [چون] ما از زیر صفر شروع کردیم. ما بعد از نابودی رژیم طاغوت از زیر صفر تقریباً شروع کردیم و وقتی که از زیر صفر شروع میکنیم، برای اینکه برسیم به نقطه‌ی اوج، شتابمان بایستی زیاد باشد و در مدّت طولانی‌ای [هم] این شتاب باید زیاد باشد. این کافی نیست که الان شتاب ما مثلاً چند برابر متوسّط دنیا است ؛ بله [هست] امّا این به اصطلاح شدّت شتاب، بایستی بیست سال طول بکشد، سی سال باید طول بکشد تا ما بتوانیم به نقطه‌ی اوج برسیم ؛ وَالّا اگر چنانچه ما نکنیم، [عقب میمانیم]. حالا این رشته‌های مربوط به علوم شناختی، یک مجموعه است، یک دستگاه علمی است ؛ دستگاه‌های علمیِ دیگری بلافاصله به وجود خواهد آمد یعنی تولید خواهد شد ؛ ذهن بشر که متوقّف نمیشود. آنهایی که در این زمینه‌های ابتدائی، در زیرساخت‌های علمی از ما جلو هستند، زودتر مسئله به ذهنشان میرسد، زودتر در صدد حلّش برمی‌آیند و زودتر به رتبه‌ی بالاتر میرسند لذا ما باید خودمان را بالا بکشیم. عرض من این است ؛ اصرار بنده بر این است.

الحمدالله حالا در این زمینه ما پیشرفت کرده‌ایم ؛ در بعضی زمینه‌های دیگر هم الحمدالله پیشرفتهایمان خوب بوده امّا هیچ دلخوش نباید باشیم -حالا دلخوش که عیب ندارد، دلخوش باشیم- یعنی به این قانع نباید باشیم ؛ مطلقاً. باید توجّه کنیم که اگر ما امروز از این کاروان اندکی عقب ماندیم، قطعاً دیگر نخواهیم رسید ؛ نباید بگذاریم که عقب بمانیم. یک شعری است که یادم نمی‌آید [امّا] مضمونش این است که داشتیم با کاروان میرفتیم، یک خاری در پای ما رفت، خم شدیم، نشستیم خار را از پایمان دربیاوریم، دیگر نرسیدیم به کاروان ؛ این‌جوری است ؛ یعنی کاروان پیشرفتِ دنیا این جوری است. تا شما نشستی که خار را از پایت دربیاوری، از راه عقب ماندی و دیگر نمیشود رسید ؛ چون او هم دارد میدود ؛ شما اگر میدوید، او هم دارد میدود. لذا نباید اصلاً توقّف وجود داشته باشد، بایستی به طور دائم حرکت کنیم. این یک نکته‌ی اساسی است که اصل کار را من تأکید میکنم، تأیید میکنم.

و به شما دوستان، آقایان و کسانی که با شماها کار میکنند، دانشمندانتان، دانشجویانتان، پژوهشگرانتان عرض میکنم باید شماها از جانتان مایه بگذارید یعنی باید خسته نشوید، باید به طور جدّی دنبال بکنید ؛ چون کار دست شما است، جلودار این کاروان و این قافله شما هستید و باید حرکت بکنید.

ببینید! یک مثال در ذهن من هست که اینجا یادداشت کرده‌ام تا به شما بگویم: فرهنگستان فرانسه یکی از مجموعه‌های علمی معروف و شاخص دنیا است ؛ یعنی دویست سال است برترین دانشمندان فرانسه همیشه در فرهنگستان [هستند] ؛ این فرهنگستان در وقتی تشکیل شده که دولت فرانسه یعنی کشور فرانسه، بیشترین تلاطمهای دوران تاریخ خودش را داشته، یعنی دوران ناپلئون و جنگهای گوناگونی که ناپلئون در اروپا میکرد ؛ یک روز با ایتالیا، یک روز با اتریش، یک روز با آلمان، یک روز با روسیه. در آن وقت این فرهنگستان به وجود آمده و تشکیل شده. بنابراین میشود. ما امروز آن جور تلاطمها را هم نداریم، آن جور مشکلات را هم نداریم و میتوانیم پایه‌های علمی مستحکمی را در کشور بگذاریم. این یک نکته.

یک نکته‌ی دیگر، دو توصیه است که من اینجا یادداشت کرده‌ام: یک توصیه این است که از همه‌ی توانایی‌های غربی‌ها و از همه‌ی امکانات آنها -که در این قضیّه پیشرفته هستند و جلوتر از ما هستند- باید بتوانیم استفاده کنیم. ما از شاگردی کردن و یاد گرفتن هرگز پرهیز نمیکنیم، از اینکه شاگرد باشیم ننگمان نمیکند ؛ آنچه ننگمان میکند، این است که همیشه شاگرد بمانیم ؛ آن را نمیخواهیم ؛ وَالّا آنچه را آنها دارند، باید یاد بگیریم. این توصیه‌ی اوّل.

توصیه‌ی دوّم [اینکه] به توصیه‌های آنها و برنامه‌های آنها به هیچ وجه اعتماد نکنیم ؛ این هم توصیه‌ی دوّم. شما خب ملاحظه کردید که این کارکرد و کاربرد دانشهای شناختی و به اصطلاح فنّاوری‌های شناختی، تمام عرصه‌های زندگی را در بر میگیرد. خب اگر چنانچه یک کشوری که یک روزی به خودش حق داده که برود فلان کشور دیگر را با زور اسلحه در تحت سلطه دربیاورد، حالا بخواهد از این دانش استفاده کند برای اینکه همان کشور را که یک روز با سلاح تصرّف کرده، با این ابزار تصرّف کند، این بعید است به نظر شما؟ بعید به نظر می‌آید؟ این جوری است دیگر. بنابراین به توصیه‌ی او بایستی با سوءظن نگاه کرد. کشورهایی که امروز بیشترین بخش این سرمایه را دارند یعنی آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی، اینها بیشترین جنایتها را در دنیا نسبت به بشریّت انجام داده‌اند. این است دیگر.

حالا این آقا میخواهد در مرز مکزیک دیوار بکشد ؛ (۸) خب این سرزمین‌هایی که در شمال مرز مکزیک قرار دارد، همه‌ی اینها مال مکزیک است، یعنی این کالیفرنیا، تگزاس، این ایالتهای بزرگ، همه‌ی اینها مال مکزیک بوده و اصلاً مال مکزیک است ؛ اینها را آمریکا با زور جنگ، با تفنگ، با آدمکشی از دست آنها گرفته و حالا میخواهد آنجا دیوار بکشد! بحث ترامپ هم نیست ؛ بحث سیستم است، بحث مجموعه‌ی نظام و رژیم است. این سیستمی که میتواند یعنی به خودش حق میدهد که سرزمین یک کشوری را تصرّف کند، آیا به خودش حق نمیدهد که بر روی ذهن آنها اثر بگذارد؟ شما گفتید که [این فنّاوری] میتواند اضطراب و ترس را برطرف کند ؛ [امّا] میتواند اضطراب و ترس را هم ایجاد کند ؛ میتواند در تصمیم‌گیری‌ها هم اثر بگذارد ؛ اگر بتواند نمیکند این کار را؟ قطعاً میکند ؛ یا آن کشورهای اروپایی: انگلیس یک جور، فرانسه یک جور، بقیّه یک جور ؛ خب اینها سابقه‌ی بدی دارند در دنیا ؛ ما بایستی همیشه به اینها [سوءظن داشته باشیم].

حالا به بنده میگویند شما سوءظن دارید ؛ البتّه یقیناً من سوءظن دارم، [اصلاً] سوءیقین دارم، سوءظن نیست امّا این سوءیقین یا سوءظنّ من، ناشی از توهّم نیست، ناشی از واقعیّات است. خب من جزئیّات کارهای فرانسه در الجزایر را بدقّت میدانم، کارهای انگلیس و فرانسه در شمال آفریقا را، در کشورهای مختلف آفریقایی را میدانم،

عملکرد انگلیس در هند را میدانم که اینها چه جنایتهایی مرتکب شده‌اند، در چین همین جور، در بقیّه‌ی نقاط دنیا همین جور ؛ خب به این دولتها، به این سیستم‌ها، به این نظامها آیا میشود در برنامه‌ریزی‌های حسّاس و مهمّی مثل علوم شناختی اعتماد کرد؟ نمیشود.

شما بایستی خودتان، هدفهای خودتان را در این دانش معیّن کنید ؛ در همه‌ی بخشهای علوم شناختی، اوّل شما هدف‌گذاری کنید تا ببینیم ما چه میخواهیم و دنبال چه هستیم، آن وقت بر اساس آن هدف‌گذاری، شما موضوع و پروژه تعریف کنید و بخواهید که دانشمند، دانشجو، پژوهشگر، جوان و مانند اینها این پروژه را [انجام بدهند]. این نباشد که شما مطالبه‌ی پروژه کنید بدون اینکه هدف‌گذاری کرده باشید ؛ مثلاً فرض بفرمایید در دانشگاه‌ها کسانی به میل خودشان یک پروژه‌ای را تعریف کنند، بیایند با شما مثلاً بخواهند هماهنگ کنند، کار کنند که این پروژه اصلاً -به تعبیر فرنگی- روی پازل و مجموعه‌ی شما هیچ تأثیری نمیگذارد و این جدول شما را پُر نمیکند. شما اوّل جدولتان را تعریف کنید که چه میخواهید، چه کار میخواهید بکنید، بعد آن وقت خانه‌های این جدول را از فلان دانشگاه، از فلان پژوهشگاه و از آن مجموعه مطالبه کنید تا برای شما تهیّه کنند و بیاورند. پس بنابراین این هم توصیه‌ی دوّم ما است که به خودتان تکیه کنید، یک راهبرد بومی تعریف کنید برای پیشبرد این دانشها و بر اساس آن، کاربران را وادار کنید که کار کنند.

و به خدا هم توکل کنید و اطمینان کنید و نیّتتان را خدایی کنید. اینکه گفتم از جان مایه بگذارید، خب آدم از جانش برای چه کسی مایه میگذارد؟ از جان نمیشود برای کسی مایه گذاشت، مگر برای خدا ؛ برای خاطر اینکه در حساب الهی، حسنات محفوظ است. شما اگر چنانچه از آن وقتی که برایتان مقرّر شده که کار کنید، نیم ساعت بیشتر کار کردید و بهتر کار کردید و بادقّت‌تر کار کردید، ممکن است آن کسی که کار را به شما محوّل کرده اصلاً نفهمد و نداند امّا در محاسبات الهی ثبت میشود، هیچ چیز ضایع نمیشود ؛ به این توجّه کنید.

و سعی هم بکنید این علوم حسّاس که با ذهن و فکر و استدلال و تصمیم و معرفت و مانند اینها ارتباط پیدا میکند، موجب گمراهی جوانها نشود ؛ حواستان باشد! جوری حرکت بکنید، با مبنائی حرکت بکنید که همان طور که در اوّل صحبت عرض کردم و در آغاز این برنامه هم آقای دکتر خرّازی نوشته بودند از قول امیرالمؤمنین، آشنایی با این علوم و وارد شدن در این عرصه ما را با خدا بیشتر آشنا کند، جوانهای ما را با توحید و با معرفت الهی بیشتر آشنا کند ؛ سعی‌تان این باشد. اگر این را هدف قرار دادید، آن وقت هر یک ساعتی که صرف میکنید، یک حسنه‌ی ماندگار است و پاداش الهی آن، پاداشِ بسیار عظیمی خواهد بود ان‌شاءالله. ما هم دعا میکنیم که ان‌شاءالله خدا شماها را موفّق بدارد و باز هم از آقای دکتر ستّاری، آقای دکتر خرّازی و بقیّه‌ی آقایان تشکر میکنیم.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار، آقایان دکتر کمال خرّازی (دبیر ستاد توسعه‌ی علوم و فنّاوری‌های شناختی)، دکتر سورنا ستّاری (معاون علمی و فنّاوری رئیس‌جمهور) و دکتر مجید نیلی‌احمدآبادی (دبیر ستاد توسعه‌ی علوم و فنّاوری‌های شناختی) و آقای سیّدمحمّد مهدوی (از مسئولین وزارت دفاع در ارتباط با ستاد علوم شناختی) گزارشهایی ارائه کردند. آقای دکتر منصور غلامی (وزیر علوم، تحقیقات و فنّاوری) در این دیدار حضور داشت.
۲) آفرینش
۳) از جمله، سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۳۵
۴) از جمله، سوره‌ی جاثیه، آیه‌ی ۱۳
۵) سوره‌ی ق، بخشی از آیه‌ی ۳۷

۶) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۶۱
۷) نوعی توپ ضدّهوایی
۸) اشاره به قصد ساخت دیوار در مرز مکزیک و آمریکا توسط رئیس‌جمهور آمریکا